

دین و برنامه‌های تنظیم خانواده:

مطالعه‌ی موردی ایران

امیرحسین علینقی*

عضو هیئت علمی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران

چکیده

هدف این نوشتار، بررسی پیوند میان دیدگاه‌های دینی و مشروع یا نامشروع بودن برنامه‌های تنظیم خانواده در ایران است. تجربه‌ی دگرگونی‌های جمعیتی در ایران، شاید با این ارزیابی شتابزده همراه باشد که رشد سریع جمعیت، ناشی از باورهای مذهبی مردم و فشار نیروهای مذهبی است و این ارزیابی، نه‌تنها با حجمی از آرا و فتاوی علمای شیعه در ایران، بلکه با شرایط برخی جوامع اسلامی دیگر، که رشد سریع جمعیت را تجربه می‌کنند، تقویت می‌شود؛ در حالی که به نظر می‌رسد تجربه‌ی موفق برنامه‌ی تنظیم خانواده و کنترل جمعیت در جمهوری اسلامی ایران، و شماری دیگر از کشورهای اسلامی، شاهدی موثر بر نبود همبستگی میان دین و موفق یا ناموفق بودن برنامه‌های تنظیم خانواده باشد؛ بنا بر این، بهتر است برای بررسی این مسئله در ایران، به متغیرهایی دیگر، مانند ریشه‌های اعتماد جامعه به کارگزاران تغییر، تکیه کرد.

واژگان کلیدی

تنظیم خانواده؛ اعتقادات مذهبی؛ جمهوری اسلامی ایران؛

با افزایش توان بهداشتی جوامع و جلوگیری از مرگ و میر، مسئله‌ی رشد جمعیت، به یکی از مسائل کلیدی جهان کنونی تبدیل شده و با دامن زدن به مجادله‌های نظری و عملی، جوامع اسلامی را نیز تحت تأثیر قرار داده‌است. مجادله‌های نظری، در کنار رشد سریع جمعیت ایران، آغاز برنامه‌های تنظیم خانواده و ناموفق بودن آن، و رشد دوباره و سریع جمعیت کشور پس از انقلاب اسلامی و برنامه‌های تنظیم خانوادگی که در پی آن آمد، موضوع تنظیم خانواده و کنترل جمعیت را به یکی از مهم‌ترین موضوعاتی کرده که جامعه‌ی ایران به آن دچار است. وجود برخی دیدگاه‌های فقهی-دینی در میان فقهای شیعه و ناموفق بودن برنامه‌های تنظیم خانوادگی دوره‌ی پهلوی از یک سو، و مقاومت برخی جوامع اسلامی در مقابل این برنامه‌ها، گمانه‌ی را تقویت کرده‌است که دین و دیدگاه‌های دینی را علت ناموفق بودن برنامه‌های تنظیم خانواده در جوامع اسلامی می‌داند.

این نوشتار، با نیم‌نگاهی به تجربه‌ی ایران، به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا می‌توان دین را مانعی در اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده و کنترل جمعیت دانست یا خیر؛ به همین منظور، همراه با نگاهی گذرا به روند تغییرات جمعیتی در ایران و نوسان‌های برنامه‌ی تنظیم خانواده، هم‌بستگی احتمالی آموزه‌های دینی و موفق یا ناموفق بودن برنامه‌های تنظیم خانواده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

وضعیت جمعیت کشور و روند روبه‌رشد آن

رشد جمعیت کشور تا سال ۱۳۲۵ (آمارهای مربوط به سال‌های پیش از ۱۳۳۵ جنبه‌ی تخمینی دارد) دارای آهنگی بسیار کند و نوسانی میان ۰/۶ تا ۱/۵ درصد است، اما به دنبال دگرگونی‌های اجتماعی و بهبود شناسه‌های بهداشتی، این رشد، وارد مرحله‌ی تازه شد و در یک فاصله‌ی زمانی ۵۰ساله (از ۱۳۲۵ تا ۱۳۷۵) از حدود ۱۴ میلیون نفر، به حدود ۷۰ میلیون نفر، یعنی به بیش از چهار برابر، افزایش یافت. آمارها گویای آن است که از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰، میزان رشد جمعیت کشور هیچ‌گاه به پایین‌تر از ۲/۵ درصد نرسیده‌است (مرکز آمار ایران ۱۳۸۶).

در آغاز، برنامه‌های تنظیم خانواده در سال ۱۳۳۷ به وسیله‌ی بن‌گاهی غیردولتی (انجمن راهنمای بهداشت خانواده) و در بردی محدود به اجرا گذاشته‌شد و پس از آن، سیاست‌های دولتی نیز در برنامه‌ی چهارم عمرانی (۱۳۴۷-۱۳۵۱)، اجرای برنامه‌ی فعال را در زمینه‌ی تنظیم خانواده مورد توجه قرار داد (طاهری ۱۳۸۱). هرچند سیاست‌های کنترل جمعیت دولت ایران در اواخر دوره‌ی پهلوی، میزان رشد جمعیت کشور را تحت تأثیر قرار



داد، نتوانست موجب تغییری شگرف شود، افزون بر آن که با پیروزی انقلاب، سیاست‌های کنترل جمعیت به کنار نهاده شد.^۱

«بعدها با آغاز انقلاب، فضای جدیدی بر ایران حاکم شد. در این فضا، دولت انقلابی ایران عملاً اعتقادی به برنامه‌های کنترل جمعیت نداشت، لذا این برنامه‌ها برای حدود یک دهه به کناری نهاده شد؛ در نتیجه، برخی نهادهای مرتبط با این موضوع منحل شدند و یا این که جای‌گاه نهادی خود را از دست داده، و عملاً تنزل رتبه یافتند.» (آقاجانیان^۲ ۱۹۹۸: ۱۰)

جدول ۱- جمعیت کشور و میانگین رشد سالانه‌ی آن بر پایه‌ی سرشماری‌های ده‌ساله‌ی کشور

| سال | جمعیت کشور | میانگین رشد سالانه تا سرشماری بعد |
|------|------------|-----------------------------------|
| ۱۳۳۵ | ۱۸۹۵۵۰۰۰ | ۳/۱۳٪ |
| ۱۳۴۵ | ۲۵۷۸۹۰۰۰ | ۲/۷۱٪ |
| ۱۳۵۵ | ۳۳۷۰۹۰۰۰ | ۳/۹۱٪ |
| ۱۳۶۵ | ۴۹۴۴۵۰۰۰ | ۲/۴۶٪ |
| ۱۳۷۰ | ۵۵۸۳۷۰۰۰ | ۱/۴۷٪ |
| ۱۳۷۵ | ۶۰۵۵۴۸۸ | ۱/۶۱٪ |
| ۱۳۸۵ | ۷۰۴۷۲۸۴۶ | — |

منبع: مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)

دلایل شکست این برنامه را می‌توان در بی‌اعتماد بودن مردم به دولت پهلوی و نامشروع دانستن این برنامه دانست، افزون بر آن که از نگاه مردم ایران، این برنامه دست‌آورد غرب و دیدگاه‌های غربی بود (رودی-فهیمی^۳ ۲۰۰۲)؛ در نتیجه، پس از انقلاب اسلامی ایران، با کنار نهادن سیاست‌های کنترل جمعیتی، که در سال‌های پایانی دولت پهلوی و در کنار برنامه‌های عمرانی آن دولت مورد توجه قرار گرفته بود، میزان رشد جمعیت کشور در طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به رقم حیرت‌آور ۳/۹۲ درصد رسید، که یکی از بالاترین ارقام در سطح جهان بود. در این دوره، ترویج نظری برای افزایش جمعیت، در میان برخی از گروه‌های اجتماعی مرجع و مبلغان و پیشوایان مذهبی آنان، که افزایش جمعیت را هم‌آهنگ با شرع، و بلکه خواست و مطلوب شارع می‌دانستند نیز عملاً به افزایش نرخ جمعیت دامن زد؛ به گونه‌ی که رشد جمعیت در طول دوره‌ی ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، شاهد افزایشی بیش از ۱۵ میلیون نفر (بیش از یک و نیم میلیون نفر در سال) بود، که در

^۱ برای مطالعه‌ی فراز و فرود برنامه‌ی تنظیم خانواده در ایران، بنگرید به میرزایی^{*} (۲۰۰۴)

^{*} Mirzaie, Mohammad

^۲ Aghajanian, Akbar

^۳ Roudi-Fahimi, Farzaneh

صورت ادامه‌ی این رشد، می‌بایست در مدتی کم‌تر از ۱۸ سال، جمعیت ایران دوبرابر می‌شد؛ یعنی اگر در طول حدود سه برنامه‌ی پنج‌ساله، همه‌ی امکانات موجود کشور (مدارس، بیمارستان‌ها، ورزشگاه‌ها، راه‌ها، و مانند آن) دو برابر می‌شد (با فرض محال فرسوده نشدن امکانات موجود)، تازه می‌توانستیم وضعیت اداره‌ی کشور را در حد سال ۱۳۶۷ نگاه داریم و بر این اساس، توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و نیز برنامه‌ریزی کردن برای آن‌ها بی‌هوده می‌نمود (الویری ۱۳۸۵).

پس از پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷، مسئولان کشور از آثار و پی‌آمدهای ناشی از افزایش جمعیت و رشد آهنگ آن آگاه شدند و برخلاف خوش‌بینی‌های اولیه و با پدید آمدن درکی روشن از آثار منفی افزایش جمعیت در میان مدیران ارشد کشور، رشد بالای جمعیت تهدیدی علیه سعادت خانواده و جامعه به شمار آمد و تلاش‌ها برای توقف و کاستن از این رشد آغاز شد. *آف‌جان‌یان* (۱۹۹۸) در بررسی خود به این نکته اشاره می‌کند:

«همین که نرخ رشد بالای جمعیت به عنوان تهدیدی علیه سعادت خانواده و جامعه مطرح شد، این موضوع به رهبران عالی‌رتبه‌ی مذهبی جهت اخذ نظر آنان ارجاع شد. در این نکته تردیدی وجود ندارد که فتاوی‌ی علما (در این زمینه) و بازگویی مکرر این فتاوی توسط مراجع حکومتی، عامل تقویت‌کننده‌ی مؤثری در موفقیت برنامه‌ی کنترل خانواده بوده‌است.» (ص ۴۷)

پیش‌بینی‌های مربوط به شرایط آینده‌ی جمعیت کشور و ضرورت پاسخ‌گویی به چنین پرسش‌هایی، باعث شد تا تلاش‌هایی برای طرح برنامه‌های کنترل خانواده به اجرا در آید (زعفران‌چی ۱۳۸۵) و به این ترتیب، پس از یک دوره وقفه، طرح و اجرای دوباره‌ی آن آغاز شد.^۱ اهداف کمی اعلام‌شده در برنامه‌ی اول توسعه، کاهش نرخ باروری، از ۶/۲۱ در سال ۱۳۶۸ به ۵/۷۳ در سال ۱۳۷۲، و کاهش میزان ناخالص تجدید نسل از ۳/۳۰ به ۲/۷۹ را در پی داشت، که در برنامه‌ی دوم توسعه نیز پی‌گیری شد.

برنامه‌ی کنترل جمعیت در یک جامعه و حکومت اسلامی

امکان موفقیت هر طرحی در زمینه‌ی کنترل جمعیت، در جوامعی مانند جامعه‌ی ایران، بستگی به همراهی مردم و این واقعیت دارد که جامعه، چنین سیاست‌هایی را هم‌آهنگ با شرع بیانگارد؛ افزون بر این که تسلط دین بر ارکان حکومت، به خودی خود، پرسش‌هایی را در زمینه‌ی پشتیبانی حکومت از اجرای این برنامه‌ها و مشروعیت آن پدید می‌آورد؛ پس

^۱ در زمینه‌ی رشد سریع جمعیت در سال‌های اولیه‌ی انقلاب و برنامه‌ی کنترل جمعیت کشور بنگرید به رایت* (۱۳۸۲)

*Wright, Robin



سؤال این است که آیا دولت اسلامی و جامعه‌ی مسلمان ایران، به پی‌روی از کلیشه‌های موجود، در برابر اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده و کنترل جمعیت، مخالفت و مقاومت می‌کند؟

مقاومت‌های اجتماعی در برابر سیاست‌های کنترل جمعیت در جوامعی که ایستارهای فرهنگی و مذهبی قوی دارند، از دیرباز، موضوع کاوش‌ها و پژوهش‌هایی فراوان بوده و در بسیاری از جوامع، این سیاست‌ها و دیگر سیاست‌هایی که با پیشینه‌ی هنجاری و نگرشی آن جوامع، ناهم‌خوان است، با مقاومت‌هایی شدید روبه‌رو شده‌است. این امر، خصوصاً در جوامعی که این هنجار بر پایه‌ی آموزه‌های دینی شکل گرفته‌است، حساسیت‌های بیش‌تری را پدید می‌آورد. در بسیاری از کشورهای جهان سوم، و از جمله در کشورهای اسلامی، که مردم اعتمادی به مأموران و برنامه‌های تغییرات اجتماعی ندارند، این حساسیت‌ها بروزی آشکار داشته و گاه خشونت‌هایی فراوان را علیه مأموران تغییر و دولت‌های حاکم (به عنوان کارگزاران تغییر) دامن زده‌است:

«به‌رغم حساسیت‌ها و مقاومت‌هایی که کمابیش جوامع مسلمان را در بر می‌گیرد، و به‌رغم سابقه‌ی رشد جمعیت در این جوامع و ایران، برنامه‌ی کنترل جمعیت در ایران با موفقیت قاطعی همراه شد. نرخ رشد جمعیت کشور از ۳٫۲ درصد در سال ۱۹۸۶ [۱۳۶۵]، به رقم حیرت‌انگیز ۱٫۴ درصد در سال ۱۹۹۶ [۱۳۷۵]، یعنی تنها در طول یک دهه، کاهش پیدا کرد.» (بنیاد جمعیت ملل متحد^۱ ۱۹۹۹: ۵)

طبیعی است که بخشی مهم از تغییر ایستارها نسبت به موضوع کنترل جمعیت در جامعه‌ی ایران، بسته به این نکته است که پس از ارزیابی جدید گروه‌های مرجع دینی از منابع شرعی در زمینه‌ی مشروع یا نامشروع بودن موضوع و سیاست‌های کنترل جمعیت، مردم ایران نیز، بدون درنگ، دیدگاه‌های خود را با این ارزیابی‌ها (مشروعیت بیش‌تر روش‌های کنترل جمعیت) هم‌آهنگ کردند و در نتیجه یکی از موفق‌ترین سیاست‌ها و برنامه‌های کنترل جمعیت جهان، در جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. ارزیابی همراه با خرسندی بانک مرکزی از روند موفقیت‌آمیز برنامه‌های کنترل جمعیت چنین می‌گوید:

«یکی از مهم‌ترین دست‌آوردهای کشور در سال‌های اخیر، کاهش نرخ جمعیت است که عموماً ناشی از کاهش نرخ باروری زنان می‌باشد. نرخ بالای رشد جمعیت در دهه‌ی ۱۳۵۵-۱۳۶۵ ساختار جمعیتی کشور را متحول نمود. اثرات این رشد، پس از ورود کودکان دهه‌ی مزبور به دوران جوانی، به شکل گسترش مطالبات و تقاضاهای اجتماعی اقشار جوان متجلی گردیده‌است.» (بانک مرکزی ۱۳۸۳: ۹۲)

^۱ United Nations Population Fund (UNFPA)

نیاز به توضیح نیست که موفقیت برنامه‌های کنترل جمعیت در ایران، تنها محدود به جامعه‌ی شهری ایران نبود و بخشی قابل‌توجه از موفقیت این سیاست‌ها در ایران، به دلیل همراهی جامعه‌ی روستایی با این سیاست‌ها صورت گرفته‌است.

مشروع یا نامشروع بودن برنامه‌های تنظیم خانواده و کنترل جمعیت

همراهی جامعه‌ی ایران و دولت شکل‌گرفته بر پایه‌ی انگاره‌های دینی با برنامه‌های کنترل جمعیت و همراه نشدن دیگر کشورهای اسلامی با این برنامه‌ها، زمینه‌ی طرح پرسش‌هایی کلیدی را فراهم می‌کند:

۱ آیا مسلمانان (به عنوان فرد، خانواده، و یا یک جامعه) مجاز به اجرای برنامه‌های کنترل خانواده اند؟ و در صورت مجاز بودن، دامنه‌ی این اجازه تا چه اندازه توانایی گسترش و تعمیم دارد؟

۲ استفاده از کدام روش‌ها مجاز و استفاده از کدام روش‌ها غیرمجاز است؟

۳ این روش‌ها را نسبت به کدام گروه از خانواده‌ها می‌توان انجام داد؟

۴ این برنامه‌ها تمامی خانواده‌ها، و یا تنها خانواده‌های پرجمعیت را در بر می‌گیرد؟

۵ آیا در مشروع یا نامشروع بودن این سیاست‌ها، به عنوان جهت‌گیری‌های دولت، خوشنودی یا ناخوشنودی خانواده‌ها نیز شرط است؟

غیر از پرسش‌های بالا و نمایه‌ی طولانی از پرسش‌های دیگر، که به گونه‌ی مستقیم و غیرمستقیم، با موضوع کنترل جمعیت و تنظیم خانواده مرتبط است و به عنوان مسائل شرعی مطرح می‌شود، از نظر سیاسی نیز این پرسش کلیدی پیش می‌آید که در رابطه‌ی میان مسلمانان و غیرمسلمانان، آیا مسئله‌ی تنظیم خانواده و کنترل جمعیت می‌تواند نقش داشته‌باشد؟

هم‌زمانی این پرسش‌ها با واقعیت‌های جهان کنونی و پیشینه‌ی تاریخی مسئله‌ی استعمار نیز دلیل دیگری است که به حساسیت‌ها دامن زده‌است؛ پس طرح سوآلی که بر پایه‌ی فرضیه‌ی توطئه است و مسئله‌ی تنظیم خانواده را جزئی از برنامه‌ی استعمار برای تضعیف جهان اسلام می‌انگارد نیز، خواه و ناخواه جزئی از بستر موجود در بررسی مسئله‌ی تنظیم خانواده و کنترل جمعیت است.



مخالفت‌ها با کنترل جمعیت

اگرچه در گذشته، مخالفت با کنترل جمعیت و تنظیم خانواده، ناشی از ناتوانی فنی برای کاهش میزان زاد و ولد بود، در دوره‌ی جدید برای این مخالفت‌ها به دلایل شرعی استناد شده‌است. مخالفان کنترل جمعیت، به آیات قرآن، روایات اهل بیت، و قاعده‌ی لاضرر استناد کرده‌اند (طاهری ۱۳۸۱)، در حالی که بر پایه‌ی ارزیابی طاهری، «آنچه به طور یقینی از ادله‌ی مذکور استفاده می‌شود، رجحان، مطلوبیت، و استحباب تکثیر نسل است، اما وجوب یا حرمت از آن‌ها استفاده نمی‌شود.» (همان: ۱۱۵).

مخالفان کنترل جمعیت در استدلال‌های خود به دو زمینه‌ی کلی استناد کرده‌اند:

«اول، اعتقاد دارند که انزال یا هر نوع دیگر از روش‌های جلوگیری از بارداری، در حکم قتل هستند، که قرآن به کرات آن را محکوم و ممنوع کرده‌است.» (دوم: این اعتقاد وجود دارد که افزایش تعداد مسلمانان به معنای افزایش قدرت مسلمانان است.» (رودی-فهمی ۲۰۰۲: ۵)

در استدلال دوم، که جنبه‌ی سیاسی دارد، به پیوند میان مسئله‌ی قدرت و افزایش جمعیت اشاره شده‌است. در این استدلال، افزایش جمعیت مسلمانان، به خودی خود، باعث افزایش قدرت مسلمانان در برابر غیرمسلمانان می‌شود:

«آن‌ها ادعا می‌کنند که برنامه‌های تنظیم خانواده از توطئه‌های غرب است تا با کاهش تعداد مسلمانان از قدرت آنان بکاهد.» (همان: ۵)

خمیرمایه‌ی استدلال مخالفان چندین نکته‌ی اصلی دارد. اشاره به این نکته که «تولید مثل و داشتن فرزند زیاد در اسلام ذاتاً مطلوب است»، یا این که «بزرگ‌ترین نیرو در هر مملکت نیروی انسانی است» (نوری همدانی ۱۳۸۲: ۲۷)، از جمله مبانی نظری برخی فقهای شیعه در نگاه منفی به مباحث مربوط به کنترل جمعیت است؛ با این وصف، هنوز اختلافاتی در مشروع دانستن انواع روش‌های کنترل بارداری وجود دارد و حتا به‌رغم این که برخی از مخالفان سیاست‌های جمعیتی، مخالفتی جدی را با روش عزل نشان نمی‌دهند، عده‌ی نیز وجود دارند که حتا با این روش نیز چندان سر سازگاری ندارند. نوری همدانی در بررسی این موضوع، در کنار توجه به روی‌کرد صاحب جواهر، چنان سخن می‌گوید که گویی حتا با فتوای صاحب جواهر و بسیاری دیگر از فقهای شیعه نیز موافق نیست:

«بر خلاف صاحب جواهر و صاحب عروه و تمام محشیان عروه که می‌گویند مرد می‌تواند عزل کند، ولی کراهت دارد، ما می‌گوییم این طور نیست.» (نوری همدانی ۱۳۸۲: ۴۱)

در این میان اما، استدلال‌های حسینی طهرانی نیز جالب است، که عزل را با کشتن و زنده به گور کردن دختران مقایسه می‌کند:

«عزل یعنی این استعداد و قابلیت قریب به فعلیت را ضایع نمودن، و مبدأ سرشت و آفرینش یک انسان را که تا این سر حد پیش آمده‌است، فاسد کردن و نابود ساختن و در بوته اعدام سپردن [۰۰۰] [که] در حکم و طراز همان زنده به قبر نمودن طفل است.» (حسینی طهرانی ۱۴۲۵:ق:۳۹)

همین سبک استدلال در مورد روش عقیم کردن نیز ساری و جاری است. نوری همدانی می‌گوید:

«ما معتقدیم که تعقیم حرام است، برای این که هر قوه‌یی که خداوند در وجود انسان نهاده، تعطیل کردن آن، به طور کلی، حرام است.» (نوری همدانی ۱۳۸۲:۷)

«یکی از قوا، قوه‌ی تولید مثل است. عقیم کردن یعنی از بین بردن آن قوه، چه خود انسان این کار را بکند و چه دیگری، حرام است.» (همان:۴۶)

به همین ترتیب، حسینی طهرانی می‌گوید:

«عقیم کردن زنان با بستن لوله‌هاشان، و عقیم کردن مردان با بستن لوله‌هاشان، از مصادیق واضحی است که تغییر دادن خلقت خداوند می‌باشد و از روشن‌ترین مصادیق اضلال و گمراه نمودن شیطان [۰۰۰] است.» (حسینی طهرانی ۱۴۲۵:ق:۳۹)

در این شرایط، طبیعی است که استدلال‌ها در مورد سقط جنین جدی‌تر باشد و به گفته‌ی نوری همدانی (۱۳۸۲)، سقط جنین به هر شکلی حرام است؛ حتی اگر احتمال دهد که کاری موجب سقط می‌شود، انجام آن کار نیز حرام است و افزون بر حرمت تکلیفی، دیه هم دارد.

حسینی طهرانی (۱۴۲۵:ق) به جنبه‌ی سیاسی و بین‌المللی موضوع نیز می‌پردازد و بر اساس آن، سیاست‌های کاهش جمعیت را دارای انگیزه‌های سیاسی می‌داند و بخش‌هایی از کتاب خود را به بررسی این موضوع اختصاص می‌دهد.

دیدگاه‌های موافق

به‌رغم دیدگاه‌های بالا، در طول چندین دهه‌ی گذشته، خصوصاً پس از انقلاب اسلامی، دگرگونی‌هایی عمده در نوع استنباط فقهای شیعه در زمینه‌ی کنترل جمعیت به وجود آمده‌است و در حالی که برخی از علماء هم‌چنان، با نگرشی منفی به مسئله‌ی کنترل



جمعیت می‌نگرند، با گذشت زمان، بر شمار علمایی که با تعداد بیش‌تری از روش‌های کنترل جمعیت موافقت می‌کنند، افزوده می‌شود.

مکارم شیرازی (۱۳۷۸) در آغاز بحث خود در زمینه‌ی مشروع یا نامشروع بودن سیاست‌های کنترل جمعیت، به زمینه‌های متعارضی که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد اشاره می‌کند:

«مباحثات و مناقشات زیادی در این زمینه میان علمای دین از یک سو، و صاحب‌نظران علوم اجتماعی از سوی دیگر، در جریان است. برخی از علمای دین به این نتیجه‌گیری متمایل بوده‌اند تا این سیاست‌ها را غیرمشروع بدانند. تمایل دین به ازدیاد اولاد، و این که ازدیاد اولاد باعث افزایش تعداد نفوس مسلمین می‌شود و افزایش نفوس مسلمین نیز باعث افزایش قدرت و منزلت آن‌ها شده و باعث تحکیم کلمه‌ی حق خواهد شد، زمینه‌های استدلالی این گروه از علمای دین است. آن‌ها همچنین استدلال می‌کنند که قرآن مجید نیز ازدیاد فرزندان را از نعمت‌های خداوند می‌داند.» (مکارم شیرازی ۱۳۷۸: ۲۷۳)

در ادامه، وی با ورود به بحث درباره‌ی ماهیت موضوع، روش‌های کنترل بارداری را به سه گروه تقسیم می‌کند و برای هر کدام حکم شرعی جداگانه‌ی می‌دهد:

- ۱) روش‌هایی که به حکم اولیه، غیرمشروع اند، مانند سقط جنین و ترک ازدواج؛
- ۲) روش‌هایی که فی‌نفسه غیرمشروع نیستند، اما اجرای آن‌ها مستلزم اقدام به امور غیرشرعی است، مانند قرار دادن برخی ابزارها در رحم زن که ممکن است نیازمند نگاه یا لمس مرد نامحرم باشد؛
- ۳) روش‌هایی که نه ذاتاً و نه عرضاً غیرمشروع نیستند، مانند استفاده از قرص‌های ضدبارداری یا عزل.» (مکارم شیرازی ۱۳۷۸: ۲۸۳-۲۸۴)

به این ترتیب، نوعی تقسیم در موضوع صورت می‌گیرد که نتیجه‌ی قهری آن خارج کردن موضوع کنترل جمعیت و برنامه‌های تنظیم خانواده از دایره‌ی حرمت است، که موجب می‌شود مجموعه‌ی کارهایی که زندگی انسانی را با مخاطره‌ی قطعی، مانند سقط جنین (حاجی‌علی ۱۳۸۳)، یا احتمالی، مانند روش‌هایی که برای زنان زیان دارد، روبه‌رو کند، در دایره‌ی حرمت وارد شود.

آثار ناشی از این نگاه به موضوع کنترل جمعیت را امروز می‌توان در بسیاری از متون فقهی دید و در حالی که تا پیش از این، به‌ندرت رد پایی از این مسائل در رساله‌های عملیه یافت می‌شد، امروز یکی از بخش‌های رساله‌های عملیه موضوع کنترل

بارداری است (حسینی سیستانی بی‌تا؛ موسوی گلپایگانی ۱۳۶۴؛ جعفری ۱۳۷۷؛ منتظری ۱۳۷۷؛ صاعی ۱۳۸۶؛ موسوی خوبی ۱۴۱۰ق؛ موسوی گلپایگانی ۱۹۹۳؛ روحانی ۱۹۹۴).

اگرچه شمار منابع موجود در این زمینه بیان‌گر اهمیت مسئله در میان فقها است، به نظر می‌رسد که اهمیت مسئله بیش از ورود یا تغلیظ طرح این مسئله در ادبیات و متون فقهی باشد. داده‌های موجود نشان می‌دهد که در این موضوع خاص، گروه مرجع اجتماعی روحانی با ورود مستقیم به میدان و با پشتیبانی از برنامه‌های کنترل خانواده، گامی مهم در ترغیب گروه‌های مختلف اجتماعی برداشته‌اند.

موفقیت برنامه‌ی کنترل جمعیت در ایران

از اواخر دهه‌ی ۱۳۶۰، با تصویب و اجرای برنامه‌های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده در ایران، که با پشتیبانی گروه‌های مرجع دینی روبه‌رو شد، رشد جمعیت کاهش یافت و در دوره‌ی ۱۳۶۵-۱۳۷۰ به ۲/۵ درصد رسید. این روند بعدها نیز ادامه یافت و در دوره‌ی ۱۳۷۰-۱۳۷۵ به رقم جالب‌توجه ۱/۵ درصد رسید و به این ترتیب، تنها با گذشت نزدیک به یک دهه، برنامه‌ی کنترل جمعیت و تنظیم خانوادگی ایران به عنوان یکی از موفق‌ترین برنامه‌های تنظیم خانواده در قرن بیستم و در میان کشورهای جهان سوم مطرح شد. جدا از عامل سرعت، نکته‌ی مهم دیگر، موفقیت این برنامه در جامعه‌ی دین‌دار و دارای حساسیت‌های شرعی و دینی جامعه‌ی ایران است. باید این نکته را به یاد داشته‌باشیم که در طول این دوره، نه تنها دولت ایران دولتی سکولار نبوده، بلکه از قضا بر پیوند میان سیاست و دیانت نیز تأکید کرده‌است:

«داده‌های موجود حاکی از آن است که تغییر در نرخ باروری در یکی از کشورهای جهان اسلامی، که دولت و دین از یک‌دیگر جدا نشده (دولت سکولار نیست و به اتحاد دین و دولت معتقد است) و سیاست‌های دولت مستظهر به حمایت دین است، محقق شده‌است.» (آقاجانیان ۱۹۹۸: ۴۶)

سازمان ملل متحد در ارزیابی خود از جمعیت ایران و پیش‌بینی آینده‌ی میزان رشد جمعیت و میزان باروری در کشور در طی دوره‌ی ۱۹۵۰ به این سو، به این واقعیت‌ها اشاره می‌کند. بر پایه‌ی این آمارها، میزان رشد جمعیت، که برای دوره‌ی ۱۹۸۰-۱۹۸۵ به رقم ۴/۱۶ درصد رسیده‌بود، تنها پس از ده سال و در دوره‌ی ۱۹۹۰-۱۹۹۵، به میزانی قابل‌توجه کاهش پیدا کرد و به رقم ۱/۸۶ درصد رسید. این سازمان هم‌چنین در پیش‌بینی خود برای دوره‌ی ۲۰۳۰-۲۰۳۵ میلادی، خبر از کاهش احتمالی این نرخ تا میزان



۰/۶۳ درصد می‌دهد. در این گزارش، کاهش میزان باروری از ۶/۶۳ درصد در دوره‌ی ۱۹۸۰-۱۹۸۵ به ۲/۰۴ درصد در دوره‌ی ۲۰۰۵-۲۰۱۰ (پیش‌بینی) (سازمان ملل متحد^۱ ۲۰۰۷)، نمایان‌گر عمق موفقیت برنامه‌ی تنظیم خانواده در ایران است.

جدول ۲- برخی آمارها و پیش‌بینی‌ها از روندهای جمعیتی ایران

| دوره | میزان رشد جمعیت | میزان باروری ^۲ |
|-----------|-----------------|---------------------------|
| ۱۹۵۰-۱۹۵۵ | ٪۲/۴۲ | ۷/۰۰ |
| ۱۹۵۵-۱۹۶۰ | ٪۲/۵۷ | ۷/۰۰ |
| ۱۹۶۰-۱۹۶۵ | ٪۲/۷۴ | ۷/۰۰ |
| ۱۹۶۵-۱۹۷۰ | ٪۲/۹۳ | ۶/۸۰ |
| ۱۹۷۰-۱۹۷۵ | ٪۲/۹۳ | ۶/۴۰ |
| ۱۹۷۵-۱۹۸۰ | ٪۲/۳۰ | ۶/۵۰ |
| ۱۹۸۰-۱۹۸۵ | ٪۴/۱۶ | ۶/۶۳ |
| ۱۹۸۵-۱۹۹۰ | ٪۳/۱۵ | ۵/۶۲ |
| ۱۹۹۰-۱۹۹۵ | ٪۱/۸۶ | ۴/۳۳ |
| ۱۹۹۵-۲۰۰۰ | ٪۱/۲۲ | ۲/۵۳ |
| ۲۰۰۰-۲۰۰۵ | ٪۰/۹۷ | ۲/۱۲ |
| ۲۰۰۵-۲۰۱۰ | ٪۱/۳۵ | ۲/۰۴ |
| ۲۰۳۰-۲۰۳۵ | ٪۰/۶۳ | ۱/۱۹ |

منبع: سازمان ملل متحد (۲۰۰۷)

در نتیجه‌ی اجرای برنامه‌های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده در ایران، رشد جمعیت کشور محدود شد و بر پایه‌ی آمارهای موجود، این میزان در طول دهه‌ی هشتاد نیز روند کاهش و تعادل خود را حفظ کرده‌است؛ به گونه‌ی که از ۱/۷ درصد در سال ۱۳۸۰، به ۱/۴ درصد در سال ۱۳۸۴ رسیده‌است.

از جمله نکات مهم در بررسی ابعاد اجتماعی برنامه‌ی تنظیم خانواده در ایران، پر شدن شکاف‌های موجود میان مناطق شهری و روستایی در اجرای این برنامه است. از آن جا که در بسیاری از کشورهای جهان (خصوصاً کشورهای جهان سوم)، به علل گوناگون، برنامه‌هایی مانند برنامه‌ی کنترل جمعیت در روستاها با استقبال روبه‌رو نمی‌شود و تنها در مناطق شهری مورد پذیرش قرار می‌گیرد، فراگیری برنامه‌های تنظیم خانواده در مناطق روستایی را می‌توان شناسه‌ی حضور مؤلفه‌ی اعتماد اجتماعی در موفقیت این برنامه‌ها در سراسر ایران دانست. بررسی‌های موجود در این زمینه، نشان‌دهنده‌ی حرکت به سوی کاهش شکاف میان مناطق توسعه‌یافته‌تر و مناطق محروم‌تر، و نیز مناطق شهری و روستایی است:

^۱ United Nations

^۲ شناسه‌ی میزان باروری (Total Fertility Rate (TRF) یا Lifetime Birthes Per Woman) عبارت است از مجموع فرزندان که یک زن در طول دوران باروری خود (بر پایه‌ی تعریف، میان ۱۵ تا ۴۹ سالگی) به دنیا می‌آورد.

«روند [...] کاهش باروری استان‌ها، در دو دهه‌ی بعد از انقلاب اسلامی، نسبتاً هم‌گون و مشابه بوده و استان‌های کشور (و مناطق شهری و روستایی) علی‌رغم تفاوت در میزان توسعه‌یافتگی، روند مشابهی را تجربه کرده‌اند. به نظر می‌رسد که اندیشه‌ی **بعد خانواده‌ی کوچک**، امروزه به هنجاری پذیرفتنی در جامعه تبدیل شده‌است.» (عباسی شوازی ۲۰۱۰:۱۳۸۰)

این امر گویای تأثیرپذیری مناطق روستایی کشور از برخی گروه‌های مرجع است که در عین پشتیبانی از اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده، مورد تأیید و اعتماد جمعیت روستایی کشور نیز قرار دارند و این باعث می‌شود جمعیت روستایی کشور، برخلاف بسیاری از کشورهای جهان سوم که اعتماد چندانی به برنامه‌های دولت‌های مرکزی در تنظیم خانواده ندارند، از برنامه‌ی تنظیم خانواده در کشور پشتیبانی کنند.

در تحلیل عمق موفقیت برنامه‌های تنظیم خانواده در ایران می‌توان به گوناگونی روش‌های کنترل بارداری نیز اشاره کرد. در بسیاری از کشورهای جهان سوم، پشتیبانی مردم از اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده، تنها به استفاده از روش‌های سنتی کنترل بارداری محدود شده، در حالی که در ایران، میزان پشتیبانی مناطق روستایی کشور از روش‌های نوین کنترل جمعیت نیز رو به افزایش بوده‌است (آقاجانیان ۱۹۹۸) و این نشان می‌دهد که بخش سنتی جامعه‌ی ایران نیز در کنار بخش‌های جدیدتر جامعه و در روندی که میان کشورهای اسلامی و جوامع سنتی کم‌تر دیده شده‌است، نه تنها مقاومتی در برابر استفاده از روش‌های نوین کنترل جمعیت ندارد، بلکه عملاً، همراهی خود را نیز اعلام کرده‌است:

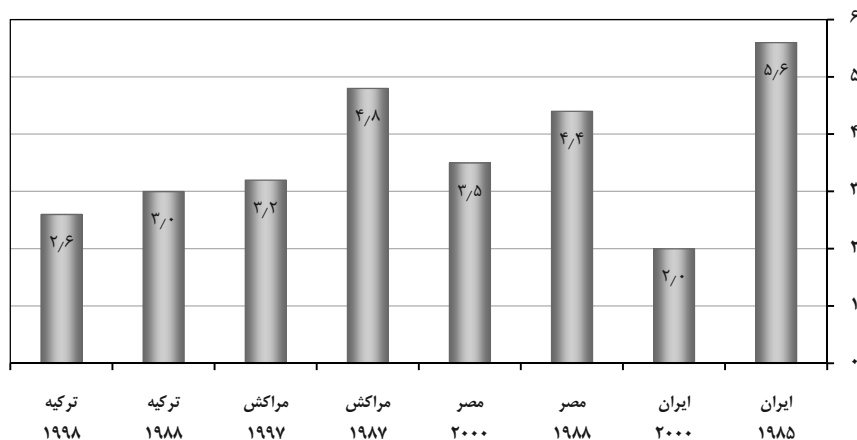
«در حال حاضر ۷۴ درصد از زنان ایرانی از وسایل جلوگیری از بارداری استفاده می‌کنند. این رقم بالاترین رقم در میان کشورهای مسلمان بوده و قابل مقایسه با آمارهای کشور فرانسه و انگلستان است؛ به علاوه، ایران در زمینه‌ی کاهش فاصله میان مناطق شهری و روستایی در استفاده از روش‌های جدید جلوگیری از بارداری (در مقابل روش‌های سنتی)، از دیگر کشورهای اسلامی فاصله دارد. آمارها حاکی است که حدود ۵۵ درصد از زنان شهرنشین یا روستایی ایران از روش‌های مدرن جلوگیری از بارداری استفاده می‌کنند.» (رودی-فهمی ۲۰۰۲: ۶)

دین و برنامه‌های کنترل جمعیت

برای بررسی موفقیت برنامه‌ی کنترل جمعیت ایران (به عنوان یک کشور مسلمان)، مقایسه‌ی میان عمل‌کرد ایران و برخی از کشورهای اسلامی مفید است. **نمودار ۱** گویای میزان



باروری در چند کشور اسلامی است و همان گونه که نشان داده می‌شود، روند کاهش میزان باروری در ایران با هیچ یک از کشورهای مصر، مراکش، و ترکیه قابل مقایسه نیست و در حالی که در سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۰، این روند در ایران از ۵/۶ به ۲ کاهش یافته (تقریباً به یک‌سوم)، در مصر کاهشی از ۴/۴ به ۳/۵، در مراکش از ۴/۸ به ۳/۲ و در ترکیه از ۳ به ۲/۶ صورت گرفته است.



نمودار ۱- دگرگونی میزان باروری در کشورهای اسلامی برگزیده
منبع: رودی-فهیمی (۲۰۰۲)

آثار و نتایج برنامه‌ی کنترل جمعیت ایران، در مقایسه با دیگر کشورهای جهان سوم و اسلامی، و همچنین مقایسه‌ی میزان موفقیت این برنامه‌ها در پیش و پس از انقلاب اسلامی، تعجب ناظران را برانگیخته است:

«بسیاری از ناظرین متعجب اند که در یک جامعه‌ی سنتی که تحت کنترل قوانین اسلامی است، چه‌گونه استفاده از روش‌های جلوگیری از بارداری در این سطح چشم‌گیر افزایش می‌یابد.» (رودی-فهیمی ۲۰۰۲: ۱)

واقعیت آن است که این دگرگونی را می‌توان ناشی از تأثیر گروه‌های مرجع اجتماعی و نگرش‌های مذهبی-اجتماعی مردم دانست. از دید صاحب‌نظران، تفاوت اصلی میان ایران و دیگر کشورهای اسلامی را باید در این نکته جست‌وجو کرد که پشتیبانی گروه مرجع روحانی (آقاچانیان و مهریار^۱ ۱۹۹۹؛ آندروود^۲ ۲۰۰۰؛ لارسن^۱ ۲۰۰۰) از اجرای این برنامه‌ها، زمینه‌ی

¹ Aghajanian, Akbar, and Amir H. Merhyar
² Underwood, Carol

ذهنی لازم را برای مردم ایران فراهم کرد تا اجرای این برنامه‌ها را مخالف ارزش‌ها و باورهای خود نیانگارند:

«مهم‌ترین عامل در موفقیت این برنامه، ناشی از علائق، حمایت، و هدایت رهبران مذهبی بود. این امر نیز به نوبه‌ی خود ناشی از توانایی انطباق اسلام با مسائل اجتماعی است.» (آقاچانیان ۱۹۹۸: ۴۷)

نتیجه‌گیری

نگاهی به نتایج برنامه‌ی کنترل جمعیت ایران و برخی از کشورهای اسلامی، و نیز مقایسه‌ی آن با وضعیت رشد جمعیت در برخی دیگر از کشورهای اسلامی، گویای نبود رابطه میان دین و آموزه‌های اسلام با سیاست‌های تنظیم خانواده و کنترل جمعیت است. در برخی از کشورهای اسلامی برنامه‌های کنترل جمعیت با موفقیت روبه‌رو شده و در برخی دیگر نیز نه‌تنها این برنامه‌ها وجود خارجی نداشته یا ناموفق بوده‌است، بلکه مردم این کشورها نیز نسبت به این برنامه‌ها ایستارهایی مساعد ندارند.

به نظر می‌رسد که یکی از آموزه‌های مربوط به موفقیت برنامه‌ی کنترل جمعیت ایران را می‌توان ناشی از نسبت میان اسلام و مردم ایران و نیز توانایی‌های اسلام دانست. بر پایه‌ی این آموزه‌ها، هم‌آهنگ شدن اسلام با شرایط زمان و مکان باعث شده‌است تا جامعه ایران، ضمن حفظ پایه‌های مذهبی و اعتقادی خود، بر یکی از مسائل و مشکلات جامعه پیروز شود و در کنار حفظ دین و ارزش‌های خود، در مسیری حرکت کند که بر پایه‌ی پیش‌بینی‌های سازمان ملل متحد، جمعیت آن برای دوره‌ی ۵۰ساله (۲۰۵۰-۲۰۰۰)، تنها ۶۰ درصد افزایش پیدا کند؛ در حالی که جامعه‌ی عربستان سعودی در طی همین دوره، با افزایشی معادل ۱۵۰ درصد دست‌به‌گریبان خواهد بود (سازمان ملل متحد ۲۰۰۴).

در شرایطی که تجربه‌های پیشین و برخی کلیشه‌های نظری گویای آن بود که ظاهراً موفقیت برنامه‌های تنظیم خانواده و کنترل جمعیت، بسته به وجود یک جامعه‌ی سکولار است، جامعه‌ی ایران ثابت کرد که نه‌تنها پیوند میان سکولار بودن و موفقیت برنامه‌های کنترل جمعیت، پیوندی ناممکن نیست؛ بلکه مشخص ساخت که در یک جامعه‌ی دینی، دین و گروه مرجع مرتبط با آن، چه‌گونه می‌تواند انرژی لازم را برای اجرای برنامه‌هایی مانند برنامه‌های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده فراهم آورد. برنامه‌ی کنترل جمعیت ایران نه‌تنها به عنوان یکی از موفق‌ترین برنامه‌های کنترل جمعیت جهان در طول دهه‌های گذشته

¹ Larsen, Janet



شناخته شده‌است، بلکه برنامه‌ی موفق است که در یک جامعه‌ی مسلمان (و غیرسکولار) به اجرا در آمده‌است. بخش‌های سنتی‌تر جامعه‌ی ایران (روستاها)، همانند بخش‌های شهری کشور، از این برنامه پشتیبانی کرده‌اند، و در بهره‌گیری از روش‌های نوین کنترل بارداری، در سطح موفق‌ترین کشورهای جهان بوده‌اند. روشن است، همان گونه که بسیاری از آگاهان گفته‌اند، در صورتی که مردم، این برنامه را در تعارض با باورهای دینی خود می‌انگاشتند، موفقیتی برای این برنامه قابل تصور نبود.

به‌رغم نکات گفته‌شده، توجه به چند نکته ضروری است:

۱- هنگامی که از موفقیت برنامه‌ی تنظیم خانواده در ایران و پشتیبانی رهبران مذهبی از این برنامه‌ها سخن می‌گوییم، منظور موافقت تمامی خبرگان دینی با این برنامه‌ها نیست. همان گونه که اشاره شد، بخش‌هایی از صاحب‌نظران دینی در ایران، هم‌چنان، با این برنامه‌ها موافق نیستند؛ افزون بر این که موافقت موافقان برنامه‌های تنظیم خانواده نیز، بدون قید و شرط نیست. آن جا که بحث تهدید جان جنین به میان می‌آید (سقط جنین)، اکثریت فقها حکم به حرمت می‌دهند و موافقت با برنامه‌های تنظیم خانواده را دلیلی بر سلب حیات جنین نمی‌دانند.^۱ نیاز به توضیح ندارد که طرح مسئله‌ی تقابل سقط جنین با برنامه‌های تنظیم خانواده، محدود به جامعه‌ی ایران و فقه شیعه نبوده و به عنوان یک مجادله‌ی اجتماعی در دیگر ادیان و جوامع نیز در حال طرح است.

۲- برخی بررسی‌ها به علل اجتماعی و بستری‌های اشاره کرده‌اند که به موفقیت برنامه‌های تنظیم خانواده منتهی شده‌است؛ به عنوان مثال، میرزایی (۲۰۰۴) از عواملی مانند کاهش میزان مرگ و میر، افزایش میزان باسوادی، رشد شهرنشینی، و افزایش آگاهی از مشکلات ناشی از رشد جمعیت یاد می‌کند؛ روشن است که اگر جامعه‌ی ایران در طول دهه‌های منتهی به دوره‌ی موردبررسی، شاهد برخی دگرگونی‌های ساختاری، مانند حرکت به سوی شهرنشینی، رشد تحصیلات، بهبود سطح دانش عمومی، و مانند آن نبود، امکان این که موافقت یا مخالفت گروه‌های مرجع دینی بتواند پشتیبانی یا مخالفت گروه‌های اجتماعی را در پی داشته‌باشد، امکانی دور از ذهن به نظر می‌رسید، ولی در این مقاله، تنها این زاویه از بحث مورد بررسی قرار گرفته‌است که آیا دین، به عنوان یک متغیر تأثیرگذار در جوامعی مانند ایران، می‌تواند مانعی در مقابل برنامه‌های کنترل جمعیت دانسته‌شود یا خیر. به نظر می‌رسد که اگر جوهر دین در تقابل برنامه‌های تنظیم خانواده قرار داشت، به‌رغم تمامی عوامل اجتماعی دیگر، تأثیر خود را در بی‌اثر یا کم‌اثر کردن این برنامه‌ها بر جای

^۱ تنها استثنا موردی است که با حفظ جنین، جان مادر در خطر قطعی باشد، که در این صورت، برخی دیدگاه‌ها به عناوین ثانویه در ضرورت حفظ جان مادر گرایش می‌یابند.

می‌گذاشت؛ در حالی که تجربه‌ی برنامه‌تنظیم خانوادگی ایران، نه‌تنها از مخالف نبودن دین و باورهای دینی با برنامه‌های تنظیم خانواده خبر می‌دهد، بلکه نشان‌دهنده‌ی پشتیبانی گروه‌های مرجع دینی از این برنامه‌ها است؛ پس این مقاله، همراه با پذیرش وجود برخی بسترها و زمینه‌های اجتماعی تأثیرگذار، آن زمینه‌ها را، آگاهانه، از دایره‌ی بررسی خود خارج کرده، و طبیعی است که این امر نافی نقش مؤثر دیگر دگرگونی‌های اجتماعی دوره‌ی یادشده بر موفقیت برنامه‌های کنترل جمعیت در ایران نیست.

۳- تجربه‌ی برنامه‌های تنظیم خانواده در ایران، نشان‌گر فراز و فرودی است که این برنامه‌ها در نیم‌قرن اخیر داشته‌اند و در حالی که به دلیل نبود پشتیبانی گروه‌های مرجع دینی، با موفقیت چندانی در دوران حکومت پیشین همراه نبودند، در دوره‌ی جمهوری اسلامی، با پشتیبانی کامل از سوی این مراجع، زمینه‌های موردنیاز برای موفقیت آن‌ها فراهم شد. در دیگر کشورهای اسلامی نیز کم و بیش با ماهیت دوگانه و نقش متفاوت گروه‌های مرجع دینی روبه‌رو ایم؛ مثلاً در شماری از کشورهای اسلامی، مانند لبنان، ترکیه، کویت، امارات، مراکش، و تونس، این برنامه‌ها با موفقیت همراه بوده و میزان باروری در ۲/۵ درصد و پایین‌تر قرار داشته، در حالی که این میزان در عراق (شیعه)، فلسطین اشغالی، عربستان، و یمن (کشورهای سنی مذهب) بیش از ۴/۶ درصد بوده‌است (رودی-فهمی و کنت^۱ ۲۰۰۷)؛ بنا بر این، درباره‌ی موضوع تنظیم خانواده در میان کشورهای اسلامی، نوعی دوگانگی وجود دارد که احتمالاً نافی هم‌بستگی میان دین و مشروعیت برنامه‌های تنظیم خانواده است. دلیل این دوگانگی را شاید بتوان در نقش گروه‌های مرجع اجتماعی و تعهدات اجتماعی آنان (آندروود ۲۰۰۰)، و نیز میزان اعتماد اجتماعی جامعه به این گروه‌ها جست‌وجو کرد. چه بسا اعتماد جامعه به پشتیبانی گروه مرجع دینی از برنامه‌ی تنظیم خانواده، پس از انقلاب، سبب موفقیت این برنامه‌ها در ایران باشد و نبود اعتماد بسیاری از مردم جهان اسلام به دولت‌های خود و مروجان «بیگانه»^۲ی تنظیم خانواده از یک سو، و اعتماد آنان به گروه مرجع دینی خود، دلیل اکراه و مخالفت آنان با برنامه‌های تنظیم خانواده به شمار آید. آنچه مهم است، این نکته‌ی کلیدی است که اعتماد جامعه به گروه‌های مرجع، ناگسستگی نیست و این گروه‌ها باید قدر موقعیت و جای‌گاه مؤثر خود را در میان گروه‌های اجتماعی بدانند و ارزش این اعتماد را پاس دارند. اگر بخش‌هایی از موفقیت برنامه‌ی تنظیم خانواده در ایران، بسته به اعتماد جامعه‌ی ایران (خصوصاً بخش‌های سنتی‌تر آن) به گروه‌های مرجع اجتماعی است، بررسی زمینه‌های دوام این پیوند نیز می‌تواند برای گروه‌های مرجع اجتماعی

^۱ Roudi-Fahimi, Farzaneh, and Mary Mederios Kent

^۲ کسانی که از سوی مردم و گروه‌های اجتماعی بیگانه انگاشته می‌شوند.



مفید باشد. به همین روش، شاید چیرگی روی کرد سیاسی نسبت به برنامه‌های تنظیم خانواده (روی‌کردی که برنامه‌های تنظیم خانواده و کنترل جمعیت را توطئه‌ی کفار برای کاهش قدرت مسلمانان می‌داند) در جهان اسلام نیز ناشی از همین واقعیت باشد که این جوامع به کارگزاران خارجی تغییر اعتماد نداشته، به ایشان با سوءظن می‌نگرند.

۴- نیاز به توضیح ندارد که مسئله‌ی مانند برنامه‌های تنظیم خانواده و کنترل جمعیت، پیچیده‌تر و مهم‌تر از آن است که به وسیله‌ی تنها یک متغیر (متغیر دین و نقش گروه‌های مرجع دینی) به توصیف نهایی در آید و خواه و ناخواه موضوعاتی این چنین را نمی‌توان با تحلیل‌ها و توصیف‌های یک‌متغیره در بند کرد؛ با این وصف، آن گاه که محدودیت‌های یک گزارش پژوهشی و گردآوری یک مقاله پیش می‌آید، چاره‌ی جز آن نیست که میزان تأثیر و دخالت دیگر متغیرها را نادیده گرفت؛ به همین دلیل، این نوشتار، همراه با پذیرش چندلایه و پیچیده بودن موضوعی مانند موضوع این مقاله، دیگر متغیرهای مؤثر در این موضوع را عملاً ثابت فرض می‌کند و طبیعی است که تن دادن به این ضرورت، به معنای نادیده و بی‌ارزش انگاشتن نمایه‌ی از متغیرهای اجتماعی و ساختاری، که می‌توانند در مسئله‌ی مهم مانند کنترل جمعیت دخالت داشته‌باشند، نیست؛ در واقع، جای طرح پرسش‌هایی درباره‌ی رابطه‌ی میزان تحصیلات در جامعه ایران و موفقیت برنامه‌ی تنظیم خانواده، میزان تأثیرگذاری ضرورت‌های اقتصادی زمان، به‌ویژه شرایط اقتصادی زمان جنگ بر موفقیت برنامه‌های تنظیم خانواده، و رابطه‌ی پشتیبانی اجتماعی دولت (تأمین اجتماعی) از بخش‌های وسیعی از مردم و تأثیر مثبت یا منفی آن بر برنامه‌ی کنترل جمعیت، هم‌چنان وجود دارد و انتظار است تا همت اهل علم، گزارش‌ها و مقاله‌هایی جدید را برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها فراهم کنند.

منابع

- الویری، مرتضی. ۱۳۸۵. «نقش سیاست‌های جمعیتی در تحقق اهداف چشم‌انداز». در *مجموعه مقالات هم‌ایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴*. نسخه‌ی الکترونیک (لوح فشرده). تهران: دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- بانک مرکزی. ۱۳۸۳. *گزارش اقتصادی و ترازنامه*. تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- جعفری، محمدمتقی. ۱۳۷۷. *رسائل فقهی: منابع فقه*، ج ۱. تهران: نشر کرامت.

- حاجی‌علی، فریبا. ۱۳۸۳. «سقط جنین: حرمت یا جواز». *مقالات و بررسی‌ها* ۷۶(۳):۵۵-۸۱.
- حسینی سیستانی، سیدعلی. بی‌تا. «سؤال‌ها و جواب‌ها: سقط جنین». *پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج‌سیدعلی حسینی سیستانی*. برگرفته در ۲۸ اردی‌بهشت ۱۳۸۷ (<http://www.sistani.org/local.php?modules=nav&nid=5&cid=914>).
- حسینی طهرانی، محمدحسین. ۱۴۲۵ق. *کاهش جمعیت: ضربه‌ی بی‌سهمگین بر بیکر مسلمین*. مشهد: مؤسسه‌ی ترجمه و نشر دوره‌ی علوم و معارف اسلام.
- رایت، رابین. ۱۳۸۲. *آخرین انقلاب بزرگ*. برگردان احمد تدین. تهران: رسا.
- روحانی، محمد. ۱۹۹۴. *منهاج الصالحین*. چاپ ۲. کویت: مکتبه‌الافین.
- زعفران‌چی، لیلیاسادات. ۱۳۸۵. «زنان و خانواده در چهار برنامه‌ی توسعه». *کتاب زنان* ۹(۳۳):۹۸-۱۲۹.
- صانعی، یوسف. ۱۳۸۶. *استفتائات پزشکی*. قم: میثم تمار.
- طاهری، حبیب‌الله. ۱۳۸۱. «تجدید نسل از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی». *مجله مجتمع آموزش عالی قم* ۴(۱۲):۱۰۳-۱۲۰.
- عباسی شوازی، محمدجلال. ۱۳۸۰. «هم‌گرایی رفتارهای باروری در ایران: میزان و روند الگوی سنی باروری در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۷۵». *نامه‌ی علوم اجتماعی* ۱۸(۳۱-۲۰۱).
- مرکز آمار ایران. ۱۳۸۶. «گزیده‌ی اطلاعات سال‌نامه: جدول ۱-۲ جمعیت و متوسط رشد سالانه». *درگاه ملی آمار*. برگرفته در ۲۳ مهر ۱۳۸۷ (http://www.sci.org.ir/content/userfiles/_sci/sci/SEL86/f02/2.1.html).
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۸. *بحوث قهیه مهمه*. قم: علمیه.
- منتظری، حسین‌علی. ۱۳۷۷. *توضیح المسائل*. چاپ ۱۶م. قم: نشر تفکر.
- موسوی خویی، ابوالقاسم. ۱۴۱۰ق. *منهاج الصالحین*. چاپ ۲۸. قم: مهر.
- موسوی گلپایگانی، محمدرضا. ۱۳۶۴. *مجمع المسائل (الگلپایگانی)*، ج ۲. چاپ ۲. قم: دارالقران الکریم.
- . ۱۹۹۳. *ارشاد السائل*. بیروت: دارالصفوة.
- نوری همدانی، حسین. ۱۳۸۲. «کنترل جمعیت». *فقه اهل بیت* ۲۴:۳۳-۵۱.
- Aghajanian, Akbar. 1998. "Family Planning Program and Recent Fertility Trends in Iran." Working paper WP-98-04, MEASURE Evaluation Project, Carolina Population Center, University of North Carolina at Chapel Hill, Chapel Hill, NC, USA.
- Aghajanian, Akbar, and Amir H. Merhyar. 1999. "Fertility, Contraceptive Use, and Family Planning Program Activity in the Islamic Republic of Iran." *International Family Planning Perspectives* 25(2):98-102.
- Larsen, Janet. 2001. "Iran's Birth Rate Plummeting at Record Pace: Success Provides a Model for Other Developing Countries." *Earth Policy Institute*. Retrieved 23 May 2008 (www.earth-policy.org/Updates/Update4ss.htm)
- Mirzaie, Mohammad. 2004. "Swings in Fertility Limitation in Iran." *University of Tehran Journal of Social Science* 11(2):1-15.
- Roudi-Fahimi, Farzaneh. 2002. "Iran's Family Planning Program: Responding to a Nation's Needs." Population Reference Bureau, Washington, DC, USA.



- Roudi-Fahimi, Farzaneh, and Mary Mederios Kent. 2007. "Challenges and Opportunities—The Population of the Middle East and North Africa." Population Reference Bureau, Washington, DC, USA.
- United Nations. 2004. *World Population to 2030*. New York, NY, USA: United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division.
- . 2007. *World Population Prospects: The 2006 Revision*, Vol. 1: *Comprehensive Tables*. New York, NY, USA: United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division.
- United Nations Population Fund (UNFPA). 1999. "Assistance to the Government of the Islamic Republic of Iran." UNFPA Executive Board Document, First Regular Session, 24–28 and 31 January 2000, New York, NY, USA.
- Underwood, Carol. 2000. "Islamic Precepts and Family Planning: The Perceptions of Jordanian Religious Leaders and Their Constituents." *International Family Planning Perspectives* 26(3):110–117, 136.

نویسنده

امیرحسین علینقی،

عضو هیئت علمی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران

alinaghi@umz.ac.ir

دانش‌آموخته‌ی حقوق عمومی، دانشگاه تهران.

کارشناس مطالعات استراتژیک و معاون پژوهشی پیشین پژوهشکده‌ی مطالعات راه‌بردی.

وی چندین مقاله‌ی علمی و کتاب نگاشته‌است که از آن میان می‌توان کتاب‌های *نظارت بر*

انتخابات و تشخیص صلاحیت داوطلبان و بررسی دین در ایران و چشم‌انداز آن را نام برد.